



محمد علی نجفی

تاریخ مصاحبه: ۱۳۸۴/۵/۲

مصاحبه کننده: کتبی

دانشکده: علوم ریاضی و کامپیوتر

سال ورود: ۱۳۶۳



- از دوران تحصیل، ورودتان به دانشگاه صنعتی شریف و کارتان بگویید.

سال ۱۳۴۹ وارد این دانشگاه شدم. دوسال اول در رشته متالورژی تحصیل کردم ولی پس از آن چون علاقه بیشتری به ریاضیات داشتم به دانشکده ریاضی منتقل شدم. در سال ۱۳۵۳ فارغ‌التحصیل شدم و با استفاده از بورس تحصیلی دانشگاه برای ادامه تحصیل به دانشگاه MIT آمریکا رفتم. در بهمن ۱۳۵۷ و هم‌زمان با پیروزی انقلاب به ایران بازگشتم. حدود یک‌سال در خدمت شهید زنده‌یاد دکتر چمران بودم و سپس به‌عنوان عضو هیئت علمی به دانشگاه صنعتی اصفهان رفتم. در سال ۱۳۵۹ رئیس آن دانشگاه شدم. در سال‌های ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۳ مسئولیت وزارت فرهنگ و آموزش عالی را برعهده داشتم که بازگشایی دانشگاه‌ها پس از انقلاب فرهنگی در آن دوره انجام شد. از سال ۱۳۶۳ تا ۱۳۶۷ در دانشکده ریاضی همین دانشگاه تدریس و تحقیق کردم و البته در دوسال آخر، معاون آموزشی و فرهنگی صدا و سیما هم بودم. از سال ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۶ مسئولیت وزارت آموزش و پرورش را عهده‌دار بودم و از ۱۳۷۶ تا ۱۳۷۹ معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان برنامه و بودجه بودم. از آن سال تا به امروز هم علاوه بر تدریس در دانشگاه مسئولیت‌هایی از قبیل مشاور رئیس‌جمهور، مشاور وزیر صنایع و معادن، عضویت در بسیاری از شوراهای جمله شورای سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی درسی، شورای عالی علوم و فناوری و تحقیقات و شورای فرهنگ و صنعت را عهده‌دار بوده‌ام.

- وضعیت امکانات فیزیکی و استادان در دوره تحصیل شما در دانشگاه چگونه بود؟

سال ۱۳۴۹ که من وارد دانشگاه شدم بسیاری از امکانات آن شکل گرفته بود و در مجموع از نظر فیزیکی دانشگاه با مشکل حادی مواجه نبود و تعداد دانشجو هم خیلی کمتر از امروز بود. بسیاری از ساختمان‌های فعلی دانشگاه از جمله تالارهای درس و ساختمان مجتهدی در همان سال‌های اول تأسیس، ساخته شد و هنوز هم مورد استفاده است. اکثر استادان دانشگاه جوان، پر انرژی و با انگیزه بودند و از دانشگاه‌های رده اول و معروف دنیا فارغ‌التحصیل شده بودند و واقعاً از نظر علمی و آموزشی نشاطی بر دانشگاه حاکم بود که متأسفانه این روزها کمتر دیده می‌شود و برای ایجاد آن باید فکر و برنامه‌ریزی کرد.



- **خاطراتان از استادان، کادر اجرایی و مدیریت دانشگاه را بگویید.**

به جای خاطره که البته زیاد است، به ذکر این نکته بسنده می‌کنم که به‌رغم جو علمی نسبتاً خشک دانشگاه و سخت‌گیری بعضی از استادان در ارتباط با امتحان و نمره (کم و بیش مانند همین وضعیت امروز دانشگاه)، در مجموع دانشگاه، استادان، کارکنان و دانشجویان مثل یک خانواده بودند و روابط صمیمی و گرمی بر دانشگاه حاکم بود. حتی به یاد دارم در دوران اعتصابات دانشجویی و درگیری‌های دانشجویان با گارد دانشگاه که اصولاً برای سرکوب جنبش دانشجویی تشکیل شده بود، بسیاری از استادان به حمایت از دانشجویان می‌پرداختند و حتی در مواردی کتک هم می‌خوردند.

- **خاطرات خود از جریان‌های سیاسی آن روز و نحوه فعالیت‌های تشکلی‌های سیاسی و دانشجویی را بیان کنید. در صورت فعالیت خودتان از آن روزها بگویید و این که نقش این دانشگاه پیش از انقلاب، بر فضای سیاسی و اجتماعی جامعه و نهضت اسلامی چگونه بود. آیا از فعالیت گروه‌های ورزشی، فوق‌برنامه و هنری نکته مهمی به یاد دارید؟**

دانشگاه ما در مجموع هم بر فضای سیاسی و اجتماعی و هم بر فضای فرهنگی و علمی کشور تأثیرات عمیقی داشته‌است. انجمن اسلامی دانشگاه از جمله انجمن‌های فعال دانشجویی در میان دانشگاه‌های کشور بود و برخی از اعضای آن در فعالیت‌های سیاسی بیرون دانشگاه هم، نقش پیش‌تاز داشتند. بسیاری از دانشجویان این دانشگاه در کوران مبارزه با رژیم ستم‌شاهی به درجه رفیع شهادت رسیدند. البته مبارزان غیرمسلمان هم بودند که یا در درگیری‌های مسلحانه و یا در زندان جان خود را در راه آزادی از یوغ نظام دیکتاتوری از دست دادند. دانشگاه و دانشکده‌های مختلف در فعالیت‌های ورزشی هم خیلی تلاش داشتند. حتی ورزشکارانی در سطح تیم‌های ملی داشتیم. همین‌طور در فعالیت‌های فرهنگی و هنری، دانشگاه همیشه جزء مراکز قوی آموزش عالی بود. به‌خصوص در زمینه‌های سینما، تئاتر و موسیقی، فعالیت‌ها هم از نظر کیفی و هم از نظر کمی خیلی خوب بود. این افتخار را داشتیم که تقریباً با همه این فعالیت‌ها به نوعی ارتباط داشتیم. در برخی زمینه‌ها به‌طور مستقیم فعالیت می‌کردم و در بعضی موارد هم از نتایج کار دوستان، بهره و لذت می‌بردم. در مجموع فکر می‌کنم تأثیرگذاری دانشگاه بر جریان‌های علمی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی کشور خیلی بیش از طول عمر دانشگاه بود و این افتخاری



است برای همه کارکنان، فارغ‌التحصیلان و دانشجویان دانشگاه و ناشی و حاکی از توانایی‌های ارزنده این مجموعه است.

- **چه عواملی از ابتدای تأسیس تاکنون، باعث ماندگاری و پیشتازی علمی این دانشگاه در عرصه جامعه شده است؟**

فکر می‌کنم مهم‌ترین عامل، بنیان محکم، دقیق و درستی بود که از روز اول برای این دانشگاه تدارک دیده شد و خدا رحمت کند کسانی را که در این راه تلاش کردند. انضباط آموزشی و پژوهشی در دانشگاه به عنوان یکی از مؤلفه‌های اصلی این ماندگاری است که توانست در گردبادهای بعد از پیروزی انقلاب آن را حفظ کند و چنین موقعیت شایسته‌ای برای دانشگاه فراهم سازد.

- **به نظر تان این دانشگاه در نظام مدیریتی، آموزشی و صنعتی کشور چه نقشی داشت؟**

از نظر آموزشی روشن است که فارغ‌التحصیلان و دانشجویان دانشگاه عملکردی بهتر از هم‌تابان خود در دیگر مراکز آموزش عالی کشور دارند و این امر بارها در جریان اموری چون ارزشیابی‌ها و مسابقات علمی به اثبات رسیده است. در واقع دانشگاه صنعتی شریف از همان ابتدای تأسیس به الگویی برای بسیاری از دانشگاه‌های کشور تبدیل شد و به طور مستقیم و غیرمستقیم بر جریانات آموزشی و پژوهشی کشور تأثیر گذاشته است. از نظر تأثیر دانشگاه بر اداره کشور هم جای خوشبختی است که تعداد زیادی از مدیران تراز بالای کشور و نیز مدیران میانی، از فارغ‌التحصیلان این دانشگاه بوده‌اند و فکر می‌کنم متوسط عملکرد آن‌ها از متوسط عملکرد مدیریت کشور خیلی بهتر باشد. البته این مطلبی است که به صورت کمی قابل اثبات نیست ولی نمونه‌های بی‌شماری را می‌توان برشمرد که تأییدکننده این ادعا است. در نظام صنعتی کشور هم امروز شاهدیم که در اجرای هر پروژه بزرگ و موفق در سال‌های پس از پیروزی انقلاب، تعدادی از فارغ‌التحصیلان یا استادان دانشگاه به صورت مستقیم و غیرمستقیم درگیر بوده‌اند و جای پای آن‌ها را می‌توان دید. بنده در خیلی از بازدیدهایی که به واسطه مسئولیت‌های خویش از طرح‌های بزرگ داشته‌ام، تعداد زیادی از دانش‌آموختگان این دانشگاه را ملاقات کرده‌ام.



به هر حال دانشگاه صنعتی شریف، قبل و بعد از انقلاب به کشور عزیزمان خیلی خدمت کرده‌است و شاید مسئولان کشور آن‌طور که باید این خدمات را نشناخته باشند و یا اگر هم شناخته‌اند در حد ارزش آن قدردانی نکرده‌اند و دلیل این سخن بنده هم مشکلاتی است که امروز دانشگاه از نظر فضا و امکانات و تجهیزات با آن مواجه است.

#### • در پایان اگر صحبت دیگری دارید بفرمایید.

۲ مورد از انتقاداتی که نسبت به دانشگاه شریف می‌شود را بیان می‌کنم و پاسخ کوتاهی به آن‌ها می‌دهم. انتقاد اول این است که اگر خروجی دانشگاه خوب است و نسبت به دانشگاه‌های دیگر کشور در سطح بالاتری قرار دارد ناشی از این است که ورودی‌های دانشگاه خوب هستند و معمولاً بهترین‌ها وارد این دانشگاه می‌شوند و فرآیند آموزشی و علمی دانشگاه تأثیر چندانی در این موفقیت‌ها ندارد. به اعتقاد من بطلان این نظر روشن است چرا که اولاً خوب است منتقدان پاسخ دهند که چرا بهترین‌های کنکور و ورودی دانشگاه‌ها و نیز موفق‌ترین دانش‌آموزان در المپیادهای علمی، این دانشگاه را انتخاب می‌کنند؟ آیا می‌شود قبول کرد این افراد که همگی از نخبگان کشور هستند، بدون آشنایی با نظام آموزشی و سطح علمی استادان دانشگاه دست به چنین انتخابی بزنند؟ علاوه بر آن، مقایسه افرادی است که از نظر استعداد و انگیزه علمی کم و بیش مانند دانشجویان ورودی این دانشگاه هستند. مقایسه این افراد در هنگام فارغ‌التحصیلی، با فارغ‌التحصیلان دانشگاه صنعتی شریف نشان می‌دهد که تفاوت معنی‌داری بین این دو دسته از دانش‌آموختگان وجود دارد که مسلماً ناشی از تفاوت‌های سطح کار دانشگاه‌های دیگر با این دانشگاه است. بنابراین دانشگاه، از یک سو در جذب و از سوی دیگر در آماده‌سازی و پرورش نخبگان موفق بوده‌است. البته ضعف‌ها و اشکال‌هایی هم جود دارد. انتقاد دوم مربوط به مهاجرت مغزها است و این که می‌گویند درصد بالایی از فارغ‌التحصیلان این دانشگاه به خارج از کشور مهاجرت می‌کنند و نتیجه می‌گیرند که دانشگاه شریف افراد را برای کشورهای غربی تربیت می‌کند. این قضاوت هم به چند دلیل غیرمنصفانه است. اول این که بیشتر حرف‌هایی که در مورد مهاجرت مغزها مطرح می‌شود در اکثر موارد غیرواقعی و توأم با بزرگ‌نمایی است. نکته دیگر این است که بخش قابل ملاحظه‌ای از فارغ‌التحصیلان دانشگاه، برای ادامه تحصیل و با نیت بازگشت به کشور به خارج می‌روند و قرار دادن همه



آن‌ها در لیست فرار مغزها یا مهاجرت نخبگان یک خطاست و نمونه‌های زیادی از افرادی وجود دارد که پس از کسب مدرک دکتری و یا بعد از دو سال تحقیق و پس از کسب مدرک به ایران برگشته و خدمات ارزنده‌ای داشته‌اند. علاوه بر این، دانش‌آموختگان این دانشگاه به راحتی می‌توانند از بهترین دانشگاه‌های دنیا برای ادامه تحصیل پذیرش بگیرند. آیا این موضوع را باید ضعف دانشگاه تلقی کرد یا قوت آن؟ نکته آخر این که مسلماً اگر چنین مراکزی در کشور نباشند این دانشجویان حتی برای دوره لیسانس هم در داخل کشور نمی‌مانند و خیلی زودتر جذب مراکز علمی خارج از کشور می‌شوند. به نظرم راه جلوگیری از مهاجرت نخبگان، انتقاد از مراکز علمی قوی داخل کشور نیست و باید راه‌های مدبرانه و جامعی را دنبال کرد. این راهکارها را نیز پیش از این بنده و عده‌ای از اهل نظر بیان کرده‌ایم و بخشی از آن‌ها در نشریه دانشگاه نیز به چاپ رسیده است.